بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم

المستغاث بک یا صاحب الزمان

سلام

با کارگاه آموزشی معرفی فضاسازی واقعه غدیر در خدمت هستیم. در مناسبت های مختلف که با مخاطبین در ارتباط هستیم، فضاهای مختلفی تجربه می کنیم. مناسبت های تاریخی مانند واقعه غدیر، محرم، نیمه شعبان است.

تفاوت نیمه شعبان با مناسبت هایی مثل غدیر، محرم یا فاطمیه در این است که ما در آن فضا، خیلی وارد اتفاقات تاریخی نمی شویم و در موضوعی مثل غدیر، محرم یا فاطمیه ناگزیر هستیم که به تاریخ اشاره کنیم و وقایعی را به صورت مستند از رویدادهای تاریخی و از زمان های گذشته نقل کنیم. دغدغه ای که همیشه وجود دارد، این است که آیا این نقل، نقل مستندی است و می توان به آن استناد تاریخی کرد؟ آیا این نقل ها، نقل های معقولی ست یا نه؟ یا بخاطر فاصله زمانی زیادی که با آن اتفاقات داریم و به خاطر عِرق مذهبی و دینی که نسبت به آن اتفاق داریم، ممکن است که غلو کرده باشیم.

شاید این شبهه یا سؤال، در ذهن مخاطبین یا دست اندرکاران کارهای تبلیغی دغدغه ایجاد کرده باشد. جدا از مستند صحبت کردن از یک واقعه تاریخی، خوب است این نگاه را داشته باشیم که چیزی که ما از تاریخ نقل می کنیم، آیا شدنی است یا نه؟ آیا این نقل ما، نقل معقولی است یا نه؟

اگر علاوه بر استناداتی که برای نقل های تاریخی ارائه می دهیم، تاریخ را به گونه ای بیان کنیم که مخاطب بتواند خودش را آنجا حس کند، خودش را آنجا حاضر ببیند و این اتفاق را یک اتفاق شدنی و معقول، با نشانه هایی طبیعی ببیند، راحت تر پیام داده می شود.

اگر می خواهیم از یک اتفاق تاریخی صحبت کنیم، باید این اتفاق را ملموس و معقول به مخاطب جلوه دهیم تا مخاطب بتواند با آن ارتباط برقرار کند.

می توانیم دو رویکرد برای نقل تاریخی و مستند، داشته باشیم:

یک رویکرد این است که هر جمله ای که می خواهیم بگوییم و هر نقلی که می خواهیم داشته باشیم، براساس استنادات حدیثی، تاریخی، روایی مطرح کنیم. صرفاً حدیث به آن معنایی که در ذهن وجود دارد، نیست. بلکه به نقل تاریخی ای که مورخین نقل کردند.

رویکرد دوم این است که گفتگوهایمان را بر مبنای نقل های مستند تاریخی بیان کنیم. در این حالت با پشتوانه نقل های مستند تاریخی، نگاه عقلانی و معقول به این نقل های تاریخی داشته باشیم.

در نقل وقایع تاریخی، داستان محرم و شهادت امام حسین علیه السلام خیلی به اصول عقلانی توجه نمی شود. مثلا در مسیر حرکت کاروان، امام حسین علیه السلام چه تاریخی شروع به حرکت کردند؟ چند منزلگاه را طی کردند؟ این کاروان وقتی از مکه شروع به حرکت می کند، چه زمانی به صحرای کربلا می رسد؟ صحرای کربلا کجای این نقشه جغرافیایی است؟ کوفه کجاست؟ مدینه کجاست؟ مکه کجاست؟ چقدر این مسیرها و شهرها از همدیگر فاصله دارند؟

به تجربه دیدیم که وقتی مستند به مخاطب می گویید، این فاصله در این مدت زمان طی شده، فاصله شهرها به چه صورت است؟ برای مخاطب جذاب است و می بیند وقتی که نگاه ما، نگاه عاقلانه ای به این اتفاق ها هست و تمام نقل ها معقول است، ما برای غدیر هم می توانیم همین کار را انجام دهیم، المان های زمانی و مکانی و چینش هایی که اتفاق افتاده را مطرح کنیم. مخاطب وقتی که در کنار نقل های مستند تاریخی که از کتاب ها و روایات و مورخین به ما رسیده، به اینها برخورد می کند، برایش بسیار جذاب است. نگاه مستند معقول می تواند علاوه بر کارهای علمی که به نقل های تاریخی می شود، مهر اعتبار بیشتری هم به آنها بزند. ما می خواهیم رویکرد دوم را انتخاب کنیم.

اینگونه نگاه کنیم که آیا این نقل های تاریخی که برای ما از کتب مورخین آمده، آیا امکان اتفاق افتادن آن هست یا نیست؟

با این رویکرد می خواهیم وارد شویم.

به ابتدای نقل تاریخی واقعه غدیر، جایی که پیامبر صلی الله علیه و آله سال ۱۰ هجری حجت الوداع را اعلام می کنند. همه نوع مسلمانان، همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به سمت مکه حرکت می کنند و بعد از مکه خارج می شوند. از اینجا تا پایان اتفاق واقعه غدیر را با این سبک جدیدی که بیان شد مرور کنیم.

این داستان را شنیدیم که پیامبر صلی الله علیه و آله در سال دهم هجری، فرمان عمومی می دهند که همه به سمت مکه حرکت کنند. یکی از اتفاقاتی که می افتد، این بوده که پیامبر صلی الله علیه و آله می خواستند برای اولین بار به عموم مسلمانان اعمال حج را آموزش دهند و مسلمانان می خواستند با الگوگیری از اعمال پیامبر صلی الله علیه و آله مناسک حج را اجرا کنند و یاد بگیرند. تا قبل از آن تاریخ، احکام به صورت تئوری روی کاغذ بود. این از دلایل فراخوان بود. یکی از دلایل جانبی این برنامه، نوع غالب مسلمانانی آن زمان همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. به نقل های تاریخی نگاه کنید. اعداد مختلفی گفته شده است. ۳۰ هزار نفر، ۹۰ هزار نفر و ۱۲۰ هزار نفر گفته شده است. ما فرض می کنیم که عدد ۱۲۰ هزار صحیح است و آن را انتخاب می کنیم. با تناسب جمعیتی آن زمان می توان به راحتی ادعا کرد که این عدد ۱۲۰ هزار نفر را اگر مبنا قرار دهیم، اکثریت مسلمانان در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در این سفر همراه ایشان شده بودند و تنها تعداد کمی در شهرهای خود مانده بودند. این خبر و فراخوان اعلام می شود. همه با شوق و رغبت همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به سمت مکه می آیند. این عدد، عددی است که خیلی ساده نباید از آن بگذریم. در آن زمان با جمعیتی که آن تاریخ داشتند، می شود گفت اکثریت قریب به اتفاق جمعیت مسلمانان را تشکیل می دهد. اینان همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به سمت منطقه غدیر می آیند. به این نکته خوب است اشاره شود که چندین سال پیامبر صلی الله علیه و آله به شهر خودشان نیامده بودند. افراد این توقع را داشتند که پیامبر صلی الله علیه و آله چند روزی را بمانند و دیدارها تازه شود. اما بلافاصله بعد از مناسک حج، پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می دهند که همه حرکت کنند به سمت منطقه ای به نام منطقه غدیر در جایی به نام جحفه. این واقعه را همه شنیدیم، منطقه جحفه در چند کیلومتری مکه بوده و در این منطقه برکه ای به نام غدیر بود.

می خواهیم ذره بین تاریخی را بگیریم و ببینیم در آنجا چه اتفاقی افتاده است؟! اول نگاه کنیم و ببینیم منطقه غدیر چه ویژگی های جغرافیایی در خود داشته است؟

با پرسشی که کردیم و دوستان با تحقیقی که کردند و با جغرافیایی که شاهدش هستیم، منطقه غدیر، منطقه بیابانی بی آب و علف نیست. بلکه بین کوه و دریا قرار گرفته است. باران های موسمی زیادی در آنجا می آید. سرسبزترین نقطه در آن مسیر است و برکه های زیادی در مسیر در آن منطقه وجود داشته است که بزرگترینش به نام غدیر معروف بوده است. غدیر یک چند راهی بوده که از آنجا راهها جدا می شد؛ یعنی افرادی که از یمن، مصر، ایران و عراق آمده بودند، از شهرها و جاهای مختلف آمده بودند، از آنجا مسیرهایشان جدا می شد. این منطقه در آن زمان معروف بوده است. با نقل هایی که بیان می کنیم، حتی به جغرافیای منطقه دقیق می شویم. ممکن است مخاطب در بدو امر متوجه نشود اما شما مجموعه ای از شبهات ذهنی مخاطب را پاسخ می دهید. اینکه سه روز در بیابان بی آب و علف نبوده، بلکه آنجا برکه و درخت داشته است. اینکه اعلام می کنند پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان توقف داده و آنان که رفته اند، بازگردند، در جایی اتفاق افتاده که مسیر آشنایی برای همه بوده و ناخودآگاه با این نگاه ها، سؤالات ذهنی مخاطب را جواب داده اید.

اگر بخواهیم فضای بحث را عوض کنیم، می توان گفت این واقعه ای که همه با آن آشناییم، از کودکی این اتفاق را برایمان تعریف کردند، جمعیتی که کنار پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و اتفاقاتی که افتاده است؛ بیاییم به نحو دیگری به این واقعه نگاه کنیم. آیا می توانیم در آن فضا خود را ببینیم؟!

یک بار ذهن خود را به این سؤالی که می خواهم بپرسم، نزدیک کنید.

فرض کنید شما هم جزء این صد و بیست هزار نفری بودید که تاریخ نقل کرده که در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار برکه غدیر خم بودند. فرض کنید شما نفر آخر این صد و بیست هزار نفر هستید. همه می خواهند مخاطب صحبت پیامبر صلی الله علیه و آله باشند و شما نفر آخر هستید. سؤال اینجاست: اگر شما قرار بود مخاطب صحبت های پیامبر صلی الله علیه و آله و سخنرانی ایشان باشید، فکر می کنید فاصله شما با پیامبر صلی الله علیه و آله چقدر بود؟ چند متر؟ چند کیلومتر؟

هرکسی یک عدد می گوید. یکی سه کیلومتر، یکی هشت کیلومتر، یکی می گوید صد متر، یکی می گوید پنج متر. اعداد مختلفی از جای جای مجلس می شنوید و این نشانگر این است که ما هیچ ذهنیت دقیقی از نشانه ها و جغرافیای این اتفاق نداریم. راحت می توان به این مسئله جواب داد. نه با نصوص و نقل های تاریخی، بلکه با یک نگاه عقلانی و ریاضی تصور کنید که هر دو نفر در یک متر مربع

نشسته اند که خیلی هم فضای تنگی نیست. یعنی یک مربع یک در یک. طبیعتا افراد هم به صف ایستادند که پیامبر صلی الله علیه و آله صحبت نمایند. می توانید تصور کنید یک نیم دایره از افراد رو به روی پیامبر صلی الله علیه و آله نشستند و پیامبر صلی الله علیه و آله مرکز این نیم دایره هستند. شعاع این نیم دایره، فاصله نفر آخر تا پیامبر صلی الله علیه و آله است. این یک فرمول راحت ریاضی است. سه فرض داریم و این سه فرض، سه فرض عقلانی است که می خواهیم به جواب برسیم.

فرض اول: این که پیامبر صلی الله علیه و آله پشتش را به کسی نمیکند.

فرض دوم: همه رو به روی پیامبر صلی الله علیه و آله نشستند

فرض سوم: تصور کنید هر دو نفر هم در یک متر مربع نشسته اند.

شعاع نیم دایره فاصله نفر آخر چقدر است؟

شما این مسئله را به بچه های کلاس اول و دوم راهنمایی هم دهید، می توانند حل کنند. اگر محاسبه کنید، در حدود ۱۹۵ یا ۱۹۶ متر شعاع این دایره است. یعنی چه؟ ما چه نتیجه ای می خواهیم بگیریم؟ می خواهیم بگوییم فکر نکنید که اگر ۱۲۰ هزار نفر بخواهند یک جا جمع شوند، یک نفر برای آنها سخنرانی کند، سه کیلومتر فاصله است. اصلا چشم ما این فاصله را نمی بیند، اما پیامبر صلی الله علیه و آله و تک تک افرادی که حضور داشتند، شاهد اتفاقات واقعه غدیر بودند. دیدند و شنیدند چه اتفاقی افتاده است.

یعنی چه؟ از فاصله دویست متری صدای پیامبر صلی الله علیه و آله را شنیدند؟

این مورد را تست کردیم. یعنی سؤال و شبهه اول را حل کردیم. یعنی صد و بیست هزار نفر می توانند یکجا با یک فاصبله معقول با پیامبر صلی الله علیه و آله بشینند.

سؤال و شبهه دوم اینکه چطور صدای پیامبر صلی الله علیه و آله را شنیدند؟! آنجا نه میکروفونی بوده، نه اکویی بوده، نه باندی بوده؟! ما رفتیم در یک فضای بیابانی و در یک فاصله دویست متری این موضوع را تست کردیم. دیدیم اگر یک کسی با صدای رسا حرف بزند، چون در آنجا تداخل صدا نیست، مخاطبی که دویست متر فاصله دارد، می تواند صدای سخنران را بشنود ولی دقیق متوجه نمی شود که سخنران چه می گوید. متن کامل سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله موجود است. اگر این متن را با طمأنینه بخوانیم، حدود یک ساعت و نیم تا یک ساعت و چهل و پنج دقیقه زمان می برد. نقل تاریخی اینجا به کمک ما می آید. نقل تاریخی بیان می کند این سخنرانی حدود سه ساعت زمان برده است. از دلایلی که می توانیم نتیجه بگیریم که زمان سخنرانی بیشتر از زمان معمول شده، این است که پیامبر صلی الله علیه و آله چند نفر را در میان جمعیت قرار داده بودند که این افراد از افرادی بودند که صدای رسایی داشتند. آنها جمله به جمله پیامبر صلی الله علیه و آله را برای پشت سری ها تکرار میکردند.

سؤال سوم: آیا امکان این بوده که این افراد صحبت های پیامبر صلی الله علیه و آله و واقعه غدیر را تحریف کنند؟ این واقعه مهمی است. طبیعتاً نمی توانستند. زیرا فقط اینها نبودند که صحبت های پیامبر صلی الله علیه و آله را می شنیدند. کنار دستی هایشان نیز می شنیدند. اگر می خواستند تحریفی کنند، همه می فهمیدند و می گفتند داری اشتباه می گویی. ما شنیدیم، پیامبر صلی الله علیه و آله چیز دیگری گفت و آنجا دعوا رخ می داد. پس اینها در انتقال صحبت های پیامبر صلی الله علیه و آله به مردم دورتر امانتداری کردند.

علت این واکاوی ها به خاطر این است که کوچکترین شیطنتی اگر بخواهد در این حوزه اتفاق بیفتد، این شیطنت می تواند سرنخ اتفاقی شود که کل غدیر را زیر سؤال ببرد. اگر کسی برگردد از سر غرض بگوید ۱۲۰ هزار نفر چگونه یک جا جمع می شوند؟ من مخاطب که خیلی اهل مطالعه و اهل دقت نیستم، وقتی به چنین سؤالی برخورد کنم، این تلقین ایجاد می‌شود که مبادا کل واقعه، غلط و دروغ است و چیز دیگری بوده و به ما چیز دیگری گفتند! ممکن است کسی از ما این شبهات را نپرسد اما ما زرنگی و پیش دستی کرده ایم. ما این واقعه را یک واقعه معقول در ذهن مخاطب ترسیم می کنیم که اگر جایی صحبت از غدیر شد، دیگر نیاز نیست ذهن در این المان های فیزیکی، جغرافیایی و مکانی بماند.

باید تمام تمرکز خود را روی این بگذاریم که در کنار اینکه می گوییم پیام این اتفاق چه بوده؟ چرا چنین اتفاقی که دارد تاریخ نقل می‌کند، پدر به فرزند گفته، حاضر به غایب گفته، نسل به نسل گشته، به مردم بفهمانیم که اتفاقی نیست که بگوییم محال است اتفاق بیفتد. نه می تواند اتفاقی در ۱۴۰۰ سال پیش با این المان هایی که گفتیم، واقع شود. این اتفاق، اتفاقی عقلانی است. اتفاقی شدنی است. حال بیاییم به پیام های این اتفاق نگاه کنیم.

عملاً با این کاری که انجام می دهیم، پیش دستی کردیم و فضای غدیر را فضایی ترسیم می کنیم که من خودم را در آن فضا ببینم. اتفاق دیگر آن است که چه من در معرض این شبهات قرار گرفته باشم که بخواهم با یک چنین سؤالات اصل واقعه را رد کنم، چه در آینده با این شبهات برخورد کنم، واقعه غدیر با این المان هایی که برای ما در طول تاریخ نقل شده، یک واقعه شدنی و عقلانی است و می توان به این نقل ها اعتماد کرد. وقتی که من توانستم خود را در آن فضا ببینم؛ وقتی که من حتی فاصله خودم تا پیامبر صلی الله علیه و آله و نحوه شنیدن صدای پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌توانم در آن فضا تجسم کنم، این اعتماد شکل می گیرد. بهتر است کمی وارد فضای نمایشی و حماسی شویم و جملاتی از خود صحبت های غدیر، نشانه هایی از اتفاقاتی که در واقعه غدیر اتفاق افتاده، اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه دست امیرالمؤمنین علیه السلام را بالا بردند، آن جهاز شتر چگونه آماده شد، چگونه همه اقرار کردند به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر شود. جا دارد که در ادامه این موضوعی که پیرامونش گفت و گو کردیم، وارد فضایی شوید که بیشتر حس حضور در واقعه غدیر را مخاطبین داشته باشند. الان بستر آماده است. تنور داغ است و می توانیم وارد بحث پیام های غدیر شویم. چون ذهن آماده شنیدن پیام های یک اتفاق حتمی و شدنی و عقلانی است. این پیشنهاد پیشنهادی است که دوستان چندین سال تجربه موفق از این سبک ورود به نقل تاریخی داشتند و بازخوردهایی که داشتیم، بازخوردهای بسیار خوبی بود. مخاطبین می گفتند که تا به حال اینگونه به قصه نگاه نکرده بودیم و شاید فکر می کردیم واقعه غدیر یک واقعه غلوآمیز است. یک واقعیت است که در تاریخ پیاز داغش را زیاد کردند، در حالی که با گفتگویی که با همدیگر داشتیم، متوجه شدیم که این امر نمی تواند یک اتفاق غیر واقعی باشد.

به امید اینکه بتوانیم غدیر امسال در جشن هایمان، در برنامه هایمان بیش از پیش و تأثیرگذارتر از پیش از صاحب غدیرمان، از حجت خدا، از کسی که باید بیعت را با او تازه کنیم و پیام غدیر ۱۴۰۰ سال پیش برای من و شمای امروز دست در دستِ صاحبِ غدیر، حجت خدا، امام زمان علیه السلام گذاشتن است، بگوییم و پیام غدیرش را به گوش همگان برسانیم.

التماس دعا